

بررسی و تحلیل فرهنگ سیاسی اساتید دانشگاه‌های دولتی مازندران

مرتضی علویان، غلامرضا ضابط‌پور کاری، سید صالح موسوی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۱

چکیده:

با شناخت نگرش سیاسی اساتید دانشگاه یکی از مسائل مهم برای برنامه‌ریزان سیاسی و اجتماعی و حتی اندیشمندانی است که دغدغه اصلاح امور کشور را دارند. نوشتار حاضر، با الهام از سنخ‌شناسی سیاسی آلموند و وریا در مورد فرهنگ سیاسی، فرهنگ سیاسی اساتید دانشگاه‌های دولتی استان مازندران را مورد بررسی قرار می‌دهد و از این رو، سوال اصلی پژوهش عبارتست از: نوع و میزان مشارکت اساتید دانشگاه‌های دولتی مازندران چگونه است؟ که برای این منظور از روش پیمایش و انتخاب نمونه‌های مورد نظر، مطابق روش‌های علمی استفاده شده است که نتایج آن قابل تعمیم به کل اساتید دانشگاه‌های دولتی استان می‌باشد. بر اساس یافته‌های تحقیق که از ۳۱۰ نمونه استخراج شده است، بُعد ادراکی فرهنگ سیاسی اساتید، در مقایسه با بُعد عاطفی و داوری از قوت بیش‌تری برخوردار است. از منظری دیگر یافته‌ها نشان می‌دهد که فرهنگ مشارکتی در مقیاس با فرهنگ تبعی و محدود از وسعت بیش‌تری برخوردار است و اساتید خواهان مشارکت فعال نه منفعل در مسائل سیاسی هستند. از این رو می‌تواند که برنامه‌ریزان سیاسی و اجتماعی بستر را برای تحقق کرسی‌های آزاداندیشی فراهم کنند.

واژگان اصلی: فرهنگ، فرهنگ سیاسی، فرهنگ سیاسی محدود، فرهنگ سیاسی تبعی، فرهنگ سیاسی مشارکتی.

۱. دانشیار علوم سیاسی، عضو هیات علمی دانشگاه مازندران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، بابلسر، ایران

۲. استادیار علوم سیاسی، عضو هیات علمی دانشگاه نوشیروانی، بابل، ایران

۳. دانشجوی دکتری علوم سیاسی (مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی)، دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

طرح موضوع رفتار سیاسی در یک جامعه، در سلسله باورها، ارزش‌ها و احساساتی ریشه دارد که بر اثر تحولات سیاسی - اجتماعی، دست خوش دگرگونی می‌گردند. انقلاب اسلامی را می‌توان مهم‌ترین تحول سیاسی در ایران معاصر نامید که به تجدید نظر در دیدگاه‌ها و جهت‌گیری‌های مردم درباره نظام سیاسی و سیاست انجامید. در نتیجه، در فرهنگ سیاسی مردم؛ یعنی فهم آن‌ها از نظام سیاسی و کارکردهای آن، دگرگونی‌هایی رخ داد. از این رو، شایسته است به منظور شناخت این دگرگونی‌ها، فرهنگ سیاسی اساتید دانشگاه‌ها را تجزیه و تحلیل کنیم.

توجه به جایگاه فرهنگ سیاسی در امر توسعه سیاسی از یک سو و گرایش به مسائل جامعه‌شناسی سیاسی ایران از سوی دیگر، انگیزه اصلی پرداختن به این موضوع است. با توجه به نقش مهم فرهنگ سیاسی در شکل‌گیری توسعه سیاسی، شناخت فرهنگ سیاسی اساتید دانشگاه‌ها اهمیت می‌یابد؛ زیرا شناخت نگرش سیاسی جامعه خصوصاً اساتید دانشگاه، یکی از مسائل مهم برای برنامه‌ریزان سیاسی و اجتماعی و حتی اندیشمندان است که دغدغه اصلاح امور کشور را دارند. بنابراین این مسئله انجام تحقیق پیرامون موضوع فرهنگ سیاسی را ضروری می‌سازد.

پیدایش مفهوم فرهنگ سیاسی در ادبیات علوم سیاسی و اجتماعی مرسوم پژوهش‌های رفتارگرایانه برخی پژوهشگران از جمله گابریل آسموند و سیدنی وربا و همکاران آن‌ها بود. پژوهش‌هایی که هدف آن گشودن سطح جدیدی از تحلیل در مطالعه رفتار سیاسی انسان در مناسبات سیاسی و اجتماعی از طریق توجه به نگرش‌ها و باورها و معتقدات سیاسی و تاثیر آن در رفتار سیاسی بود.

پیشینه پژوهش پرسش از فرهنگ سیاسی؛ یعنی چگونگی رفتار یک ملت در برخورد با حکومت، پرسش تازه‌ای در علم سیاست نیست، ولی توجه به پرسش‌های نظری فرهنگ سیاسی از نظر مصداقی درباره ایران، از جمله موضوع‌های جدیدی است که پژوهش‌های بسیاری را می‌طلبد. با این حال، صاحب نظرانی مانند آلموند، پاول، وربا و لوسین پای، با مفهوم سازی و نظریه پردازی درباره فرهنگ سیاسی در سطح خرد و کلان، آن را بررسی کرده‌اند. بر مبنای این بحث‌های نظری، در دهه‌های اخیر، برخی پژوهش‌گران داخلی و خارجی، به پژوهش‌های محدودی در زمینه شناخت فرهنگ سیاسی ایران پرداخته‌اند، ولی در این پژوهش ضمن طرح مباحث نظری از فرهنگ و فرهنگ سیاسی، به صورت مصداقی فرهنگ سیاسی اساتید دانشگاه‌های دولتی دانشگاه مازندران کاویده می‌شود که تاکنون صورت نگرفته است.

هدف این مقاله بررسی فرهنگ سیاسی اساتید دانشگاه‌های دولتی مازندران با الهام از سنخ‌شناسی سیاسی آلموند و وربا می‌باشد. از این رو پرسش پژوهش حاضر این است که نوع و میزان مشارکت اساتید دانشگاه‌های دولتی مازندران چگونه است؟ فرضیه بحث بر این استوار شده که ابعاد مشارکتی و شناختی فرهنگ سیاسی نسبت به سایر ابعاد فرهنگ سیاسی از قوت بیشتری برخوردار است. تحقیق مزبور از روش پیمایشی و نمونه‌گیری تصادفی بهره گرفته است.

چارچوب مفهومی و نظری فرهنگ و فرهنگ سیاسی

نظریه فرهنگ سیاسی^۱ با مفهوم سازی و بررسی‌های ناظر بر فرهنگ شکل گرفته است. به‌طور کلی در تعریف مفهوم فرهنگ سیاسی باید آن را به دو عنصر مؤلفه‌اش یعنی فرهنگ و سیاست تجزیه کرد و با تعریف این عناصر به تعریف فرهنگ سیاسی رسید. بنابراین بدون شناخت فرهنگ نمی‌توان به درک درستی از فرهنگ سیاسی دست یافت. از این رو ابتدا فرهنگ را تعریف می‌کنیم سپس به بیان مفهوم فرهنگ سیاسی و دسته‌بندی فرهنگ سیاسی می‌پردازیم.

الف) فرهنگ

مفهوم فرهنگ از جمله پژوهش‌های انسان‌شناسی است که دانشمندان علوم سیاسی به منظور تأکید بر فرهنگ به عنوان عامل تعیین‌کننده اصلی در رفتار انسان‌ها بدان توجه کرده‌اند. فرهنگ را می‌توان، مجموع ویژگی‌های رفتاری و عقیدتی اکتسابی اعضای یک جامعه خاص دانست. ویژگی اکتسابی بودن، فرهنگ را از رفتاری که نتیجه وراثت زیست‌شناختی است، متمایز می‌سازد. (کوئن، ۱۳۷۵: ۳۶) نقش فرهنگ، به‌طور عام یا عناصری از آن مثل دین، به‌طور خاص در شکل‌گیری نمادها و نظام‌های سیاسی و هدایت کار ویژه آن‌ها و مسأله علل فرهنگی تفاوت رفتارهای سیاسی کنش‌گران از دیرباز مورد توجه اندیشمندان بوده است. به اعتقاد آنان، فرهنگ از طریق باورها، اسطوره‌ها، قواعد و هنجارها بر اندیشه و رفتار سیاستمداران و نهادهای سیاسی اثر می‌گذارد و به عنوان ناظم روابط اجتماعی، شکل‌دهنده نهادها و تعیین‌کننده الگوها و جهت‌دهنده رفتار حجمی نیز نقش مؤثری در زندگی سیاسی ایفا می‌کند (نقیب‌زاده، ۱۳۸۱: ۲۵)

^۱ Political culture
culture

در میان تعریف‌های بسیاری که از فرهنگ شده است، کروبِر^۱ و کلاکھون^۲ نزدیک به ۱۶۰ تعریف را مهم دانسته‌اند. پیش از بیان چند تعریف از فرهنگ، باید دانست که تا نیمه دوم قرن هجدهم، اصطلاح امروزی فرهنگ در اروپا رایج نبود و بیش‌تر در کنار واژه تمدن^۳ به کار می‌رفت (چیلکوت، ۱۳۷۷: ۳۳۶) بنابراین، درباره رابطه میان فرهنگ و تمدن، آرای متفاوتی هست و حتی برخی این دو را هم معنا دانسته‌اند. برخی دیگر با توجه به گستردگی معنای تمدن، آن را شامل فرهنگ نیز می‌دانند. گروهی دیگر، با توجه به گستردگی معنای فرهنگ، آن را شامل تمدن هم می‌شمارند، چنان که در تعریف تیلور، انسان شناسان تمامی میراث اجتماعی را فرهنگ می‌دانند. در مقابل، افرادی مانند موریس دوورژه، با دسته بندی عوامل روحی و عوامل مادی، میان فرهنگ و تمدن تفاوت می‌گذارند (دوورژه، ۱۳۶۷: ۳۵) با توجه به این دیدگاه‌ها می‌توان گفت در هر فرهنگ، دو زمینه جدا از هم وجود دارد: یکی فرهنگ مادی و دیگری فرهنگ معنوی. فرهنگ مادی، همه دستاوردهای مادی یا تکنولوژیک جامعه است که به این جنبه از فرهنگ، تمدن نیز گفته‌اند. فرهنگ معنوی نیز دیگر موضوع‌های فرهنگ را دربرمی‌گیرد. هم‌چنین میان جنبه‌های مادی و معنوی فرهنگ، کنش‌های متقابل وجود دارد. (کاظمی، ۱۳۶۷: ۳۵)

«برخی سنت‌ها، باورها معتقدات و ارزش‌ها را فرهنگی دانسته‌اند. عده‌ای اسطوره‌ها و نمادها را فرهنگی تلقی کرده‌اند. بعضی نگرش‌ها سمت‌گیری‌های کلی نسبت به انسان، جهان و جامعه را فرهنگی تلقی کرده‌اند.» (قیصری، ۱۳۸۸: ۹۵-۹۶) ماکس وبر در سطح عام و کلی، فرهنگ را مرکب از انواع باورها و نمادهای آرمانی اقتدار؛ یعنی سه نوع اقتدار سنتی، فرهمندانانه و عقلانی می‌دانست. این انواع آرمانی اقتدار، مشروعیت خویش را از کنش‌های افراد تشکیل دهنده جامعه می‌گیرند؛ کنش‌هایی که خود به آداب و سنت‌های جامعه مقیدند و به سمت هرچه عقلانی‌تر شدن گرایش دارند. در نتیجه، کنش‌های افراد برگرفته از باورهایی است که پشتیبان و نگه‌دارنده جامعه است. (وثوقی، ۱۳۷۸: ۱۶۳)

فرهنگ را در یک عبارت کلی می‌توان مجموعه یا نظامی از ارزش‌ها و احساسات، نهادها، رویکردها، رسم و عادات تربیت، فلسفه و هنر، ابداعات و اختراعات دانست که بین یکایک افراد

^۱.krober

^۲.kluckhon

^۳.civilization

ملت مشترک است و به متابه میراث تاریخی به نسل‌های بعدی منتقل می‌گردد. (ازغندی، ۱۳۸۵: ۷۳)

ب) فرهنگ سیاسی

مفهوم فرهنگ در کنار واژه سیاست، به معنای همکاری فرهنگی در عرصه سیاست و جامعه است. جنبه‌های خاصی از فرهنگ عمومی جامعه به طور ویژه با نوع برخورد با حکومت و این‌که باید چه وظایفی را انجام دهد، ارتباط دارد. این بخش از فرهنگ را می‌توان «فرهنگ سیاسی» نامید. (عالم، ۱۳۷۲: ۱۵)

فرهنگ سیاسی به طور معمول در سطح فردی سنجیده می‌شود و بسیاری استدلال می‌کنند که این سطح مناسبی است که باید در آن تحلیل شود. نظریه کلاسیک فرهنگ سیاسی اساساً به موضوع مشارکت سیاسی می‌پردازد. نظریه فرهنگ سیاسی به عنوان پشتوانه نظری، روش شناختی و تجربی برای مطالعه رابطه بین شهروندان و دولت (سیاست) مطرح می‌شود. ایده این رویکرد این است که هم نگرش شهروندی و هم سیاست را به عنوان سیستم‌های پیش‌بینی‌کننده تعریف کنیم، زیرا می‌توان آن‌ها را از منظر نظریه سیستم لومان سیستم‌های ارتباطی در نظر گرفت (سوکولوف، ۲۰۱۸). نویسندگان دیگر ادعا می‌کنند که فرهنگ ذاتاً یک ساختار سطح اجتماعی است که به عنوان گرایش فرهنگی مرکزی در یک ملت تعریف می‌شود، و بنابراین مجموعه‌ای از پاسخ‌های فردی به عنوان شاخص‌های فرهنگ سیاسی در سطح جامعه عمل می‌کنند (ولزل و همکاران ۲۰۲۱).

فرهنگ سیاسی امری ملموس نیست که بتوان مستقیماً آن را مشاهده کرد. وجود آن را فقط می‌توان با اندازه‌گیری غیرمستقیم آن، معمولاً از طریق نظرسنجی افکار عمومی، و با ویژگی‌های پیش‌بینی آن تأیید کرد. بسیاری از نویسندگان با این استدلال که فرهنگ سیاسی هیچ ارتباطی با نهادهای سیاسی ندارد، فایده و در نتیجه احتمالاً وجود آن را زیر سوال می‌برند. نظریه فرهنگ سیاسی ممکن است نشان‌دهنده ریشه علم جدید باشد، علم مشارکت، که ممکن است انسان‌ها و غیرانسان‌ها را دوباره در یک محیط مفهومی و فنی جدید متحد کند. ریشه‌های مفهومی و عمل‌گرایانه علم مشارکت در ساختار مفهومی اصلی نظریه فرهنگ سیاسی کلاسیک نهفته است.

دیگران، مانند اینگلهارت و ولزل (۲۰۰۵) نشان می‌دهند که فرهنگ سیاسی را می‌توان با پیوندهای قوی خارجی، به عنوان مثال به عنوان پیش‌بینی‌کننده دموکراسی یا به عنوان نتیجه

مدرن‌سازی اجتماعی-اقتصادی، تأیید کرد. اخیراً، ولزل (۲۰۲۰) همچنین نشان می‌دهد که تغییرات رژیم با ناهماهنگی بین فرهنگ سیاسی و نوع رژیم پیش‌بینی می‌شود، اگرچه این تعدیل بلافاصله انجام نمی‌شود. به عنوان مثال که حکومت دموکراتیک با فرهنگ سیاسی غیر دموکراتیک سازگار است (هادنیوس و تئورل، ۲۰۰۵؛ داهلوم و کنوتسن، ۲۰۱۷).

اصطلاح فرهنگ سیاسی پس از جنگ دوم جهانی در ادبیات توسعه سیاسی مطرح شد. با توجه به گذار جوامع از مرحله پیش‌صنعتی به مرحله صنعتی، سخن از توسعه سیاسی به میان آمد؛ زیرا فرهنگ سیاسی نیز بخشی از جامعه‌شناسی توسعه سیاسی است. با توجه به معنای فرهنگ سیاسی که پرسش از چگونگی رفتار یک ملت در برخورد با حکومت است، این موضوع در علم سیاست و فلسفه سیاسی بی‌سابقه نبود. از این رو، هم در منابع اسلامی و نزد دانشمندان اسلامی از جمله فارابی، خواجه نصیرالدین طوسی، ابن‌خلدون و هم در آثار دانشمندان غربی همچون ماکیاوول، منتسکیو، روسو و دوتوکویل بحث‌هایی درباره آن می‌توان یافت. (آل‌غفور، ۱۳۷۵: ۱۱۴)

گابریل آلموند نخستین اندیشمندی است که در سال ۱۹۵۶ م. طی تلاش اولیه‌ای که برای طبقه‌بندی و مقایسه نظام‌های سیاسی صورت داده، مفهوم «فرهنگ سیاسی» را در ادبیات توسعه سیاسی وارد کرد. ایشان فرهنگ سیاسی را الگوی استادها و سمت‌گیری‌های فردی نسبت به سیاست در میان اعضای یک نظام تعریف می‌کند. از دید وی، هر نظام سیاسی متضمن یک الگوی خاص از جهت‌گیری به سمت کنش‌های سیاسی است. این به این معنا است که در هر نظام سیاسی یک قلمرو ذهنی سازمان‌یافته در باب سیاست وجود دارد که به جامعه، ترکیب نهادها و اتکای اجتماع به افعال فردی معنی می‌دهد. (Almond, 1990: 138)

تعریف آلموند از فرهنگ سیاسی به تدریج مورد پذیرش سایرین قرار گرفت و از این زمان به بعد، مفهوم فرهنگ سیاسی با رهیافت رفتارگرایی که مبتنی به ارقام و کمیت و یک نوع مدل-سازی تجربیدی بود پیوند خورد و به عنوان رهیافتی جدید، سطح جدیدی از تحلیل مسائل و تحولات سیاسی را به وجود آورد. لوسین پای بر این باور است که فرهنگ سیاسی، مجموعه نگرش‌ها، اعتقادات و احساساتی است که به روند سیاسی نظم و معنا می‌دهد و اصول و قواعد تعیین‌کننده حاکم بر رفتار و نظام سیاسی را مشخص می‌کند (پای، ۱۳۷۰: ۱۰-۹). سیدنی وریا معتقد است فرهنگ سیاسی از نظام اعتقاد تجربی، نمادهای معنی‌دار و ارزش‌هایی که معرف کیفیت انجام اقدام سیاسی‌اند، تشکیل می‌یابد. به باور تالکوت پارسونز، فرهنگ سیاسی با سمت‌گیری

نسبت به اهداف سیاسی ارتباط دارد (عالم، ۱۳۸۱: ۱۱۳). استفان. وی. تنسی نیز فرهنگ سیاسی را این‌گونه تعریف می‌کند: محیط ذهنی و فکری که سیاست در آن شکل می‌گیرد، تفسیر می‌شود و مورد قضاوت واقع می‌گردد؛ آگاهی، اعتقادات، ارزش‌ها و رویکردهای افراد و جوامع نسبت به حکومت و سیاست (تنسی، ۱۳۷۹: ۱۳۱).

نکته مشترک در همه این تعاریف، تأکیدشان بر نگرش‌ها، عقاید، افکار و اندیشه‌های افراد نسبت به نظام سیاسی و به‌طور کلی سیاست است که بستر و الگویی را برای گرایش‌ها، جهت‌گیری‌ها و رفتارهای سیاسی آن‌ها فراهم می‌کند. به عبارتی دیگر فرهنگ سیاسی آن بخش از فرهنگ عمومی جامعه می‌باشد که به سوی سیاست و نظام سیاسی معطوف است و محتوای گرایش‌ها و رفتارهای سیاسی افراد را شکل می‌دهد (زارعی، ۱۳۸۸: ۹۸-۹۷).

آلموند در ارزیابی سطح «فرهنگ سیاسی» جامعه‌ای معین چهار ضابطه را یادآور شده است: الف) فرد چه دانشی درباره ملت، نظام سیاسی‌اش، تاریخ آن، اندازه، موقعیت، قدرت، خصوصیات قانون اساسی و مانند آن دارد؟

ب) از ساخت‌ها و نقش‌های نخبگان سیاسی مختلف و خط‌مشی‌های سیاسی پیشنهادی که در جریان رو به بالای خط‌مشی‌سازی و تصمیم‌گیری وجود دارد چه دانشی دارد؟ احساسات و عقایدش در مورد این ساخت‌ها، رهبران و خط‌مشی‌های سیاسی پیشنهادی چیست؟

پ) درباره جریان روبه پایین اجرای خط‌مشی، ساخت‌ها، افراد و تصمیمات درگیر در این روندها چه دانشی دارد؟

ت) چگونه خود را به‌عنوان عضوی از نظام سیاسی تصور می‌کند؟ در مورد حقوق، قدرت-ها، تعهدات و استراتژی‌های مربوط به دسترسی به نقطه نفوذ چه دانشی دارد. (Almond and Verba, 1963: 13 and 14).

آلموند و وربا فرهنگ سیاسی را بر اساس دو محور مشخص می‌سازند. یکی بر اساس محور نوع جهت‌گیری‌های فردی نسبت به نظام سیاسی است که عبارتند از: ۱- نگرش (ایستار) ادراکی ۲- نگرش (ایستار) احساسی ۳- نگرش (ایستار) ارزشی. دوم بر اساس محور موضوع جهت‌گیری‌ها که عبارتند از: ۱- اشخاص حاکم ۲- سیاست‌های حکومتی ۳- ساختارهای حکومتی.

زیر مجموعه‌های محور اول را به شرح ذیل میتوان توضیح داد:

۱- نگرش ادراکی: به دانسته‌ها و باورهای مردم از نظام سیاسی مربوط است و شناخت آن‌ها

را از مقررات نقش‌ها، نهادها و داده‌ها نشان می‌دهد. فردی که در چارچوب این کیفیت فرهنگی قرار می‌گیرد نظام سیاسی را بر مبنای نتایج عینی و ملموس حاصل از عملکرد نظام ارزیابی می‌کند. میزان موفقیت نظام در برآوردن نیازها و حل مشکلات، معیار ارزیابی می‌باشد.

۲- نگرش احساسی: به احساس مردم نسبت به نظام سیاسی، مقررات، نقش‌ها و داده‌های نظام ارتباط می‌یابد. دوستی و نفرت نسبت به نظام حاکی از نگرش احساسی است که مانع ارزیابی دقیق روند واقعی جریانات می‌شود. فرد بدون توجه به نتایج عملی، آینه منعکس‌کننده احساسات القا شده به خود است.

۳- نگرش ارزشی: در ارزش‌یابی اهداف سیاسی ریشه دارد و از معیارهای ارزشی، شناختی و احساسی تشکیل می‌گردد. ممکن است داوری فرد نسبت به نظام سیاسی ناشی از ارزش اخلاقی، مذهبی یا سنتی جامعه باشد (عباسیان، ۱۳۸۷: ۴۳-۴۴).

این سه حوزه در ارتباط با موارد زیر قرار می‌گیرند:

۱- کل نظام سیاسی، شامل توسعه تاریخی، ابعاد، قدرت و ویژگی‌های قانونی آن؛
 ۲- شیوه‌های درون‌داد: یعنی نیروهای مؤثر بر تصمیم‌گیری از قبیل: احزاب سیاسی، گروه‌های فشار و رسانه‌های گروهی؛

۳- فرایندهای برون‌داد؛ یعنی کار شعب قانون‌گذاری مجریه و قضائیه (بشیریه، ۱۳۸۰: ۱۱۸).
 آلموند و وربا با به‌کار بردن سه نوع نگرش (ایستار) پیش گفته، در سه جنبه از زندگی سیاسی مزبور به انواع فرهنگ سیاسی دست می‌یابند.

الف) فرهنگ سیاسی محدود (بسته):

در آن، ساخت‌ها بدون دولت شکل می‌پذیرند؛ فرد نه به طور مستقیم از عملیات یا خط مشی سیاسی و «نظام سیاسی ملی» آگاه است و نه خود را عضوی از یک ملت می‌شناسد. آنان هرگز خود را در شکل‌گیری تصمیم‌ها یا دگرگونی‌های سیاسی اثرگذار نمی‌دانند. (پالمر، ۱۳۹۳: ۱۰۲) و عبارتی دیگر شهروندان دورادور آگاهی‌هایی از دولت و سیاست دارند و از سیاست و تصمیمات گرفته شده توسط دولت غافل‌اند. آن‌ها، نه علم سیاست را دارند و نه علاقه‌ای به آن نشان می‌دهند. «در این نوع فرهنگ سیاسی، جهت‌گیری‌های افراد نسبت به اهداف سیاسی فوق‌العاده ضعیف است و مردم تصور نمی‌کنند که می‌توانند در شکل‌گیری و دگرگونی هدف‌های سیاسی مؤثر باشند. افراد نه نسبت به نهادهای سیاسی کشور و نیز مسائل و تصمیمات ملی احساس وابستگی

می‌کنند و نه تصویر روشنی از نظام سیاسی در ذهن دارند. در فرهنگ مزبور با آن که ممکن است افراد در سطوح محلی در تصمیم‌گیری‌ها دخالت داشته باشند. اما نمی‌توانند این تصمیمات و سیاست‌ها را به کل نظام سیاسی مرتبط سازند. بنابراین، در این شرایط، طرح موضوعاتی نظیر منافع، هدف‌ها، امنیت و توسعه ملی، محلی از اعراب ندارند» (قوام، ۱۳۸۲: ۷۲).

(ب) فرهنگ سیاسی تبعی (انفعالی):

در فرهنگ سیاسی تبعی شهروندان از تصمیمات دولت آگاه هستند و کم‌تر با آن به مخالفت می‌پردازند. افراد از سیاست و سیاستمداران و موسسات آگاهی دارند. در سیاست اثر می‌گذارند ولی در عین حال بیشتر از آن تأثیر می‌پذیرند. به عبارتی دیگر در این فرهنگ سیاسی مردم خود را شرکت‌کنندگان فعال در فرایند سیاسی نمی‌پندارند و عملاً اتباع حکومت تلقی می‌شوند (قوام، ۱۳۸۲: ۷۲). به بیان دیگر، مردم به ظاهر، سیاست را پی‌گیری می‌کنند، ولی از نظر ذهنی و روانی در خود احساس تعهد و تکلیفی ندارند. در این نوع فرهنگ، نخبگان سیاسی پاسخ‌گوی مردم هستند و مردم معمولاً قدرت را درون آنان متجلی می‌یابند. ساختار انتخاباتی در این فرهنگ هست، ولی عمل انتخاب، ناآگاهانه است. (خبیری، ۱۳۷۸: ۸۲) این نوع فرهنگ سیاسی، در سطح پایین-تری از فرهنگ سیاسی مشارکتی که در ادامه تعریف و خصوصیات آن نیز خواهد آمد. و در سطح بالاتر از فرهنگ سیاسی محدود است. در این فرهنگ مردم خود را شهروند به حساب نمی‌آورند، اما مشارکت‌شان در امور سیاسی منفعلانه است. مردم احساس تعهد اندکی نسبت به دولت دارند و از صحبت کردن در امور سیاسی احساس ناراحتی می‌کنند (فراگوزلو، ۱۳۸۷: ۳۷۶-۳۷۵).

(ج) فرهنگ سیاسی مشارکتی (فعال):

مشارکت‌کنندگان سیاسی، افرادی هستند که از ساختار و روند نظام سیاسی و خواست‌های نظام سیاسی آگاهند و در کار تصمیم‌گیری دخالت می‌کنند. (رزاقی، ۱۳۷۵: ۲۰۳) شهروندان قادر به نفوذ در دولت‌اند و از راه‌های مختلف آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند و افراد تمایل بیشتری به ساختار سیاسی و اجتماعی درست دارند. در این فرهنگ، افراد جامعه به‌طور نسبی در نظام سیاسی به عنوان یک کل (ساختارهای سیاسی و اداری) در نهادها (طرح‌خواست‌ها و تقاضاها) و داده‌ها (استراتژی‌ها، قوانین و طبقه‌بندی اولویت‌ها) نقش دارند و نسبت به رفتار نخبگان سیاسی حساس-اند. در کشورهای برخوردار از این فرهنگ سیاسی، شهروندان از لحاظ روانی بر این باورند که می‌توانند به نظام سیاسی کمک و مساعدت کنند و به تصمیمات مؤثر واقع شوند (قوام، ۱۳۸۲: ۷۲).

فرهنگ سیاسی مشارکتی برخلاف فرهنگ سیاسی محدود و تبعی به اراده شهروندان و اعمال کامل حقوق و تکالیفشان در تصمیمات سیاسی استوار است (بدیع، ۱۳۸۳: ۵۹).

به باور آلموند و وربا این سه نوع فرهنگ سیاسی صرفاً الگوهای نظری هستند و در دنیای واقعی به صورت ناب وجود ندارند؛ به همین دلیل به انواع گوناگون فرهنگ‌های سیاسی مختلط نظیر: محدود- تبعی، تبعی- مشارکتی و محدود- مشارکتی برمی‌خوریم. در فرهنگ سیاسی محدود- تبعی افراد از وابستگی‌های سیاسی ناب محلی و فرهنگ سیاسی محدود خارج می‌شوند و اقدام به تعمیم وفاداری به نهادهای حکومتی و تخصصی شده‌تر می‌کنند. در این نظام فرهنگی، افراد هنوز به عنوان یک نیروی سیاسی نسبتاً ضعیف ظاهر می‌شوند و احزاب سیاسی و گروه‌های ذی نفوذ از کارایی چندانی برای تبدیل خواست‌ها به سیاست‌ها برخوردار نیستند. در فرهنگ سیاسی تبعی- مشارکتی، افراد از لحاظ سیاسی به گروه‌های آگاه و فعال و منفعل تقسیم می‌شوند. گروه فعال نسبت به کلیه اهداف سیاسی حساس است و می‌تواند در بسیاری از موارد رفتار نخبگان را مورد تصمیمات و سیاست‌ها تحت تأثیر قرار دهد. در فرهنگ سیاسی محدود- مشارکتی خرده‌نظام‌هایی که در قسمت نهاد شرکت دارند، دارای خصلت کاست گونه، قبیله‌ای و محلی هستند، درحالی که نهادهایی که در قسمت داده عمل می‌کنند از توسعه نسبتاً مناسبی برخوردارند، در این فرهنگ سیاسی افراد برای مشارکت سیاسی به شکل اجتماعات توده‌ای، ناسیونالیستی، انتخابات محلی و ترغیب می‌شوند. (قوام، ۱۳۸۲: ۷۴-۷۳).

پیشینه تحقیق

ادبیات و پیشینه پژوهشی موضوع فرهنگ سیاسی، هرچند از مدت‌ها قبل در ادبیات سیاسی غرب مورد توجه و شناسایی قرار گرفته است. اما در ادبیات سیاسی ایران، با وجود تلاش‌هایی که انجام پذیرفته چندان شناخته شده نیست و با این‌که در پژوهش‌های سیاسی و اجتماعی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. درخصوص موضوع مستقیم نوشتار مقاله معنی فرهنگ سیاسی اساتید دانشگاه‌های دولتی مازندران هیچ منبعی اعم از کتاب، مقاله، سمینار با طرح پژوهشی انجام شده و گزارشی از آن در بانک‌های اطلاعاتی موجود نبوده است. از این نظر این نوشتار کار پژوهشی اصیل، بی‌سابقه و بدیع به شمار می‌رود. اما به صورت عام درخصوص موضوع فرهنگ سیاسی و نیز فرهنگ سیاسی ایران کارهای متعددی اعم از مقاله و کتاب به رشته تحریر درآمده است که ذیلاً

به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود.

- ۱- حسین رفیع در مقاله فرهنگ سیاسی، یک بررسی مفهومی و نظری (۱۳۹۷) به بررسی مفهوم فرهنگ سیاسی و برخی موضوعات مرتبط با آن از جنبه‌های نظری می‌پردازد.
- ۲- نورالله قیصری در مقاله فرهنگ سیاسی، پژوهشی در ساختار و تحولات نظری یک مفهوم (۱۳۸۸)، تلاش کرده تا تاریخ تحول مفهومی و نظری فرهنگ سیاسی را مورد بررسی قرار دهد.
- ۳- گراهام فولر در کتاب «قبله عالم، ژئوپلیتیک ایران (۱۳۷۳)» با نگاهی بدبینانه به احما و بیان مختصات فرهنگ سیاسی ایرانیان پرداخته است.
- ۴- سمیح فارسون و مهرداد مشایخی در کتاب «فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۰)» به صورت مشترک با رویکردی تاریخی تحلیلی به بیان ویژگی‌های فرهنگ سیاسی مردم ایران می‌پردازد.
- ۵- علی کریمی در مقاله «فرهنگ سیاسی مردم مازندران» (۱۳۸۰) فرهنگ سیاسی مردم مازندران را مورد بررسی قرار می‌دهد.

به نظر می‌رسد تنها منبعی که فرهنگ سیاسی، آن هم مردم مازندران را با استفاده از داده‌های میدانی مورد بررسی قرار داده مقاله اخیر است. در پژوهش حاضر با استفاده از پرسش‌های موجود در این مقاله و نیز اضافه کردن برخی از پرسش‌های دیگر که به وسیله کارشناسان مورد تأیید قرار گرفته، به بررسی فرهنگ سیاسی اساتید دانشگاه‌های دولتی مازندران پرداخته است. البته علاوه بر کتاب و مقاله، پایان‌نامه‌هایی هم در مقاطع مختلف تحصیلی در دانشگاه‌های کشور پیرامون موضوع فرهنگ سیاسی و فرهنگ سیاسی ایرانیان به رشته تحریر درآمده که جهت اجتناب از تطویل، از آوردن آن‌ها خودداری می‌شود.

روش‌شناسی تحقیق

به منظور بررسی فرهنگ سیاسی اساتید دانشگاه‌های دولتی مازندران از روش پیمایشی و نمونه‌گیری تصادفی استفاده شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات بر اساس تئوری مزبور، پرسش-نامه‌ای تهیه و پس از تأیید کارشناسان مربوطه با توجه به جامعه آماری دانشگاه‌های دولتی مازندران که ۱۵۹۸ نفر می‌باشند به تفکیک توزیع گردید. بر اساس فرمول شارل کوکران ۳۱۰ نمونه تکثیر و به تفکیک دانشگاه‌ها جهت پاسخ‌گویی ارسال گردید.

لازم به ذکر است پرسش‌نامه‌های توزیع شده برای دانشگاه مازندران ۷۰ نمونه، دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل ۳۵ نمونه، دانشگاه فناوری نوین آمل ۸ نمونه، دانشگاه علوم و فناوری بهشهر ۱۳ نمونه، دانشگاه علوم پزشکی بابل ۷۱ نمونه، دانشگاه علوم پزشکی ساری ۸۷ نمونه و دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری ۲۶ نمونه می‌باشد.

یافته‌های تحقیق

باتوجه به اهمیت موضوع، اساتید در تکمیل پرسش‌نامه نهایت همکاری را به عمل آورده و تمامی ۳۱۰ پرسش‌نامه تکمیل و آماده برای تجزیه و تحلیل به روی گویه‌های موردنظر گردیده است.

توصیف ویژگی‌های جمعیتی

۱- جنسیت

از جمعیت نمونه اساتید دانشگاه‌ها، ۷۳ زن (۲۳/۵ درصد) و ۲۳۷ مرد (۷۶/۵ درصد) که از آن تعداد ۸ نفر مجرد (۲/۵ درصد) و ۲۸۲ نفر متأهل (۹۱ درصد) و تعداد ۲۰ نفر (۶/۵ درصد) وضعیت ازدواج خود را اعلام نکرده‌اند و این احتمال می‌رود که ناشی از خطا و یا به دلیل مطلقه بودن و یا ازدست دادن همسر باشد.

جنسیت	تعداد	درصد
زن	۷۳	۲۳/۵
مرد	۲۳۷	۷۶/۵
کل	۳۱۰	۱۰۰

۲- سن

جدول ذیل وضعیت سنی پاسخگویان را نشان می‌دهد.

سن	تعداد	درصد
کمتر از ۳۰ سال	۲۰	۶/۵
۴۵-۶۰	۱۶۶	۵۳/۵
بیشتر از ۶۰	۱۱۶	۳۷/۴
کل	۸	۲/۶

جدول ذیل وضعیت مرتبه علمی اساتید را روشن می‌کند.

مرتبه علمی	تعداد	درصد
مریی	۱۳	۴/۲
استادیار	۱۶۷	۵۳/۹
دانشیار	۱۰۷	۳۴/۵
استاد تمام	۲۳	۷/۴
کل	۳۱۰	۱۰۰

توصیف متغیرهای تحقیق

الف) بعد ادراکی فرهنگ سیاسی

در محور جهت‌گیری‌های فردی نسبت به نظام سیاسی، ملاحظه داده‌های بخش ادراکی که در جدول ۱ به نمایش درآمده است نشان می‌دهد که تقریباً بیش از دوسوم اساتید برآنند که باید از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حداقل اطلاعات نسبی داشته باشیم (۸۶٪). باید حداقل اطلاعات نسبی از جریان‌های سیاسی داشته باشند (۸۵٪). باید از گروه‌ها و احزاب سیاسی در کشور اطلاعات تفصیلی داشته باشند (۷۶٪) و نیز باید از اسناد بالا دستی ابلاغی از سوی مقام رهبری آشنایی تفصیلی داشته باشند (۸۵٪). این آمار نشان می‌دهد که جامعه اساتید دارای آگاهی و شناخت سیاسی مطلوب و مورد انتظار هستند.

جدول ۱: جزء ادراکی گرایش اساتید به فرهنگ سیاسی

ردیف	گویه‌ها	موافق و کاملاً موافق	نظری ندارم	مخالف و کاملاً مخالف
۱	باید از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (فصل‌ها و اصل‌ها) حداقل اطلاعات نسبی داشته باشیم.	۸۶٪	۸٪	۶٪
۲	باید حداقل اطلاعات نسبی از جریان‌های سیاسی (اصلاح‌طلب، اصول‌گرا و ...) داشته باشیم.	۸۵٪	۱۲٪	۱۳٪
۳	باید از میزان گروه‌ها و احزاب سیاسی در کشور اطلاعات تفصیلی داشته باشیم.	۷۶٪	۱۶٪	۸٪
۴	باتوجه به اهمیت موضوع (فرهنگ سیاسی) باید با استناد بالا دستی ابلاغی از سوی مقام رهبری آشنایی تفصیلی داشته باشیم (مانند سند چشم‌انداز و ...)	۸۵٪	۱۲٪	۳٪

ب) بعد احساسی فرهنگ سیاسی

در محور جهت‌گیری‌های فردی سنت به نظام سیاسی، ملاحظه داده‌های بخش احساسی - عاطفی که در جدول ۲ به نمایش درآمده است، نشان می‌دهد که تقریباً بیش از دوسوم اساتید برآنند که از شعارها و سرودهای انقلابی و ملی لذت می‌برم (۸۴٪). از پی‌گیری رویدادهای سیاسی و مطالعه اخبار، کتب و سایت سیاسی لذت می‌برم (۸۲٪)، خود را موظف به دفاع از جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های علمی اقتصادی و ... می‌دانم (۸۰٪) راهپیمایی ۲۲ بهمن و روز قدس برایم مهم است (۸۳٪). این آمار نشان می‌دهد که اکثر جامعه اساتید از نظام فعلی دفاع می‌کنند.

جدول ۲: جزء احساسی - عاطفی اساتید به فرهنگ سیاسی

ردیف	گویه‌ها	موافق و کاملاً موافق	نظری ندارم	مخالف و کاملاً مخالف
۱	از شعارها و سرودهای انقلابی و ملی لذت می‌برم	۸۴٪	۱۴٪	۲٪
۲	از پی‌گیری رویدادهای سیاسی و مطالعه اخبار، کتب و سایت سیاسی لذت می‌برم.	۸۲٪	۱۵٪	۳٪
۳	خود را موظف به دفاع از جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های علمی، اقتصادی و ... می‌دانم.	۸۰٪	۱۸٪	۲٪
۴	راهپیمایی ۲۲ بهمن و روز قدس برایم مهم است.	۸۳٪	۱۳٪	۴٪

ج) بعد داوری فرهنگ سیاسی

در محور جهت‌گیری‌های فردی نسبت به نظام سیاسی، ملاحظه داده‌های بخش داوری و ارزیابی که در جدول ۳ به نمایش درآمده است، نشان می‌دهد که تقریباً نیمی از جامعه اساتید برآنند که مسئولان در انجام کارها به نظرات و خواسته‌های مردم توجه نمی‌کنند (۴۳٪). نیمی از اساتید معتقدند تجربه نشان می‌دهد مسئولان روی هرچیز دست می‌گذارند آن را خراب می‌کنند (۵۰٪). تقریباً نیمی از اساتید بر این باورند که شرایط لازم برای فعالیت سیاسی در دانشگاه وجود ندارد. و تقریباً نیمی از جامعه اساتید نسبت به این که فضای کنونی دانشگاه‌ها برای اظهار نظرات سیاسی آزادانه است، خوشبین نیستند و یا بی‌تفاوت هستند (۴۵٪).

جدول ۳: جزء داوری اساتید به فرهنگ سیاسی

ردیف	گویه‌ها	موافق و کاملاً موافق	نظری ندارم	مخالف و کاملاً مخالف
۱	مسئولان در انجام کارها به نظرات و خواسته‌های مردم توجه نمی‌کنند.	۳۹	۱۸٪	۴۳٪
۲	عده‌ای می‌گویند تجربه نشان می‌دهد مسئولان روی هرچیز دست می‌گذارند آن را خراب می‌کنند.	۳۱٪	۱۹٪	۵۰٪
۳	شرایط لازم فعالیت سیاسی در دانشگاه وجود ندارد.	۳۹	۲۱٪	۴۰٪
۴	فضای کنونی دانشگاه‌ها برای اظهار نظرات سیاسی آزادانه می‌باشد.	۵۵	۳۰٪	۱۵٪

د) فرهنگ سیاسی محدود

ملاحظه داده‌های بخش فرهنگ سیاسی محدود که در جدول ۴ به نمایش درآمده است نشان می‌دهد که جامعه نمونه نقشی برای خود در عرصه فرایند سیاسی قائل است و علاقمند هستند در سیاست دخالت کنند.

جدول ۴: فرهنگ سیاسی محدود

ردیف	گویه‌ها	موافق و کاملاً موافق	نظری ندارم	مخالف و کاملاً مخالف
۱	مقامات دولتی به مثابه رئیس خانواده هستند، تمامی مسائل ریز و درشت باید با تصمیم آن‌ها مشخص شود.	۴۴٪	۲۸٪	۲۸٪
۲	جریان و یا عدم جریان اندیشه‌ای در جامعه باید به تصمیم دولت باشد.	۳۸٪	۳۱٪	۳۱٪
۳	ما به مجلس یا انتخابات نیاز نداریم بلکه به دنبال رهبری مقتدر هستیم که بتواند تصمیم گرفته و آن را سریع اجرا کند.	۴۴٪	۲۵٪	۳۱٪
۴	سیاست حرفه‌ای مهمی در جامعه است که نباید در آن دخالت کرد.	۳۸٪	۲۳٪	۳۹٪

ه) فرهنگ سیاسی انقیادی

ملاحظه داده‌های بخش فرهنگ سیاسی انقیادی یا تبعی که در جدول ۵ به نمایش درآمده است نشان می‌دهد که جامعه نمونه درصدد است تا در فرایند سیاسی نقش بیش‌تری از خود بروز دهد.

جدول ۵: فرهنگ سیاسی انقیادی یا تبعی

ردیف	گویه‌ها	موافق و کاملاً موافق	نظری ندارم	مخالف و کاملاً مخالف
۱	تصمیمات باید توسط گروهی از مردم گرفته شود که توسط شهروندان انتخاب می‌شوند.	۴۵٪	۲۶٪	۲۹٪
۲	شرکت در انتخابات را وظیفه خود می‌دانم.	۴۸٪	۲۳٪	۲۹٪
۳	در انتخابات معمولاً به رأی دادن به لیست یا کاندیدای اعلامی از سوی جریان سیاسی مورد علاقه تعهد دارم.	۲۸٪	۱۸٪	۵۴٪
۴	زنان نباید همانند مردان در فعالیت سیاسی نقش ایفا کنند.	۴۰٪	۳۱٪	۲۹٪

و) فرهنگ سیاسی مشارکتی

ملاحظه داده‌ای بخش فرهنگ سیاسی مشارکتی که در جدول ۶ به نمایش درآمده است، نشان می‌دهد که بیش از نیمی از اساتید خواهان مشارکت فعال در امور سیاسی هستند.

جدول ۶: فرهنگ سیاسی مشارکتی

ردیف	گویه‌ها	موافق و کاملاً موافق	نظری ندارم	مخالف و کاملاً مخالف
۱	در تبلیغات انتخابات به نفع کاندیدای مورد علاقه شرکت می‌کنم.	۴۷٪	۲۹٪	۱۴٪
۲	باید حوادث سیاسی و تحلیل‌های با اهمیت را پی‌گیری کنم.	۵۶٪	۳۲٪	۱۲٪
۳	در سخنرانی‌های سیاسی، تجمعات سیاسی و ... شرکت می‌کنم.	۵۹٪	۲۷٪	۱۴٪
۴	در انتخابات معمولاً به رأی دادن به لیست و کاندیدای اعلامی از سوی جریان سیاسی مورد علاقه‌ام تعهد دارم.	۵۴٪	۲۴٪	۲۲٪

نتیجه‌گیری

این نوشتار با بهره‌گیری از دیدگاه‌های آلموند و وربا در مورد گونه‌شناسی فرهنگ‌های سیاسی و از روش پیمایش و ابزار پرسش‌نامه و انتخاب جامعه نمونه به تعداد ۳۱۰ نفر از اساتید دانشگاه‌های دولتی استان مازندران به شناسایی تیپ فرهنگ سیاسی اساتید پرداخت. تقسیم‌بندی سه‌گانه فرهنگ سیاسی به ادراکی، عاطفی و داوری حاکی از آن است که فرهنگ سیاسی اساتید مورد مطالعه در بعد شناختی از قوت بیش‌تری نسبت به عاطفی و داوری برخوردار است و ابعاد عاطفی و داوری در مرحله بعد قرار دارند. از سوی دیگر، اگر ابعاد گوناگون فرهنگ سیاسی یعنی

مشارکتی، تبعی و محدود را مورد توجه قرار دهیم، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مشارکتی بر تبعی و محدود غلبه دارد. نتایج پژوهش میدانی نشان می‌دهد فرهنگ سیاسی اساتید مطلوب بوده و بسیار علاقمند هستند در عرصه فرایند سیاسی نقش فعالی داشته باشند.

منابع

- آل غفور، سید محمد تقی (۱۳۷۵). نقش فرهنگ در ساختار ایران معاصر، نقد و نظر، ۲(۳-۴).
- ازغندی. علیرضا (۱۳۸۵). درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، تهران، نشر قومی.
- بشریه، حسین (۱۳۸۰). نگرش جدید به علم سیاست، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- بدیع، برزای (۱۳۸۳). توسعه سیاسی، ترجمه احمد نقیب‌زاده، تهران: نشر قومی.
- پالمر، موتی، لاری اشترن و چالز گایل (۱۳۹۳). ترجمه منوچهر شجاعی، تهران، وزارت امور خارجه.
- پای، لوسین (۱۳۷۰). فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی، ترجمه مجید محمدی، نامه فرهنگ، ۵ و ۶.
- تنسی، استفان. وی (۱۳۷۹). مبانی علم سیاست، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران، نشر دارگستر.
- چیلکوت، رونالد (۱۳۷۷). نظریه های سیاست مقایسه ای، ترجمه وحید بزرگی و علی رضا طیب، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- خبیری، بابک (۱۳۷۸). فرهنگ سیاسی، مقایسه دو سطح داخلی و بین‌المللی، راهبرد، ۱۷.
- عباسیان، علی‌اکبر (۱۳۸۷). فرهنگ سیاسی در امثال و حکم فارسی، تهران، نشر اختران.
- رزاقی، سهراب (۱۳۷۵). مولفه های فرهنگ سیاسی ما، نقد و نظر، ش ۷ و ۸.
- زارعی، آرمان (۱۳۸۸). تأثیر جهانی شدن بر فرهنگ سیاسی ایران، تهران، انتشارات باز.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۱). بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی.
- عالم، عبدالرحمان (۱۳۷۲). فهم فرهنگ سیاسی، سیاست خارجی، ۹(۴).
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۲). سیاست‌های مقایسه‌ای، تهران، سمت.
- قیصری، نوراله (۱۳۸۸). نخبگان و تحول فرهنگ سیاسی در ایران دوره قاجاریه، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- قرارگوزاد، محمد (۱۳۸۷). فکر دموکراسی سیاسی، تهران، موسسه انتشارات نگاه.
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۶۷). بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر، تهران، نشر قومس.
- کوئن، بروس (۱۳۷۵). درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر توتیا.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۱). تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- و ثوقی، منصور و نیک خلق، علی‌اکبر (۱۳۷۸). مبانی جامعه‌شناسی، تهران، بهینه.

- Almond, G.A (1990). the study of political culture, in a discipline divided: school and sects in political science, Newbury park sage.
- Almond, Gabriel and Verba, sidey (1963). the civic: political attitude and democracy in five nations, Princeton: Princeton University press.
- Dahlum, S., & Knutsen, C. H. (2017). Democracy by Demand? Reinvestigating the Effect of Self-expression Values on Political Regime Type. *British Journal of Political Science*, 47(2), 437–461. <https://doi.org/10.1017/S0007123415000447>
- Sokolov, B. (2018). The Index of Emancipative Values: Measurement Model Misspecifications. *American Political Science Review*, 112(2), 395–408.
- Welzel, C., Brunkert, L., Inglehart, R. F., & Kruse, S. (2021). Non-Invariance? An Overstated Problem with Misconceived Causes. *Sociological Methods and Research*, 50.